

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۴
چشم‌انداز ۱۳۹۵

زیر نظر شورای نویسندگان



تحولات کردی در منطقه

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارز پویش‌های امنیتی در خاورمیانه در سال ۱۳۹۴، نقش‌آفرینی رو به رشد بازیگران غیردولتی^۱ بوده است. با توجه به بافت موازیکی و چندقومی اغلب دولت‌ها، تصنعی بودن فرایندهای دولت-ملت‌سازی و مصنوعی بودن مرزها، خیزش‌های قوم‌گرایانه در شمار زیادی از کشورها ثبات سیاسی، انسجام اجتماعی و حتی یکپارچگی سرزمین کشورها را خدشه‌دار کرده است. از این رو، پدیده مزبور با قابلیت تأثیرگذاری مضاعف، به سرعت از موضوعی مرتبط با امنیت داخلی کشورها فراتر می‌رود و با سرایت به گروه‌های قومی سایر کشورهای چندقومی منطقه، مبنای مداخله‌جویی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است. مصداق بارز نقش‌آفرینی فزاینده متغیر قومیت بر ثبات سیاسی کشورها و تأثیرگذاری آن بر ترتیبات امنیت منطقه‌ای را می‌توان در تحولات کردی در خاورمیانه جستجو کرد که در ادامه مهم‌ترین وجوه این موضوع در کشورهای ترکیه، عراق و سوریه و پیامدهای منطقه‌ای و نسبت آن با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

تحولات کردی در سوریه

مناطق کردنشین سوریه که قوم‌گرایان کرد از آن با عنوان کردستان غربی یا «روژآوا» یاد می‌کنند از یکپارچگی سرزمینی برخوردار نیست. جمعیت حدوداً دومیلیونی کردها در نواحی مجاور با کردستان عراق و ترکیه در «جزیره»، «کوبانی» و «عفرین» پراکنده‌اند و در مناطق زیادی با جمعیت عرب و

1. Non state Actors



ترکمان ساکن شرق و شمال سوریه در هم آمیخته‌اند. اما با وجود پراکندگی جمعیتی و سرزمینی و به رغم ضعف تاریخی جنبش‌های قومی در کردستان سوریه، همین مزیت یعنی مجاورت با کردستان عراق و ترکیه و امکان اتصال با جریان‌های کردی دو کشور هم‌جوار باعث شد در سال‌های اخیر مشخصاً در سال ۱۳۹۴، کردهای سوریه قابلیت نقش‌آفرینی مضاعف در بحران خونین و فرسایشی سوریه ایفا کنند.

در این سال احزاب کوچک کردی متمایل و مورد حمایت حکومت اقلیم کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق که در قالب شورای ملی کردهای سوریه گرد هم آمده‌اند هر چه بیشتر به حاشیه رفته و به رغم برخورداری از حمایت‌های مالی و نظامی حکومت اقلیم و ترکیه نتوانستند محدوده‌ای مشخص در خاک سوریه را تحت کنترل خود درآورند. در برابر، حزب اتحاد دموکراتیک کردستان (PYD) به رهبری صالح مسلم با کمک نیروهای یگان‌های مدافع خلق (YPG) وابسته به حزب کارگران کردستان PKK که از سال گذشته و در جریان دفاع از کوبانی و شکست دادن داعش از اعتبار و حمایت بیشتری برخوردار شده بودند، توانستند کنترل اغلب نواحی کردنشین را در اختیار گرفته و سه کانتون محلی در جزیره، کوبانی و عفرین را تحت کنترل خود نگهدارند. امسال حمایت نظامی، تدارکاتی و آموزشی آمریکا به این حزب بیشتر شد که واکنش منفی دولت ترکیه را به همراه داشت. مقامات آنکارا از این واژه داشتند که PYD با دریافت این حمایت‌ها و همکاری و توافق ضمنی دولت بشار اسد و با تصرف شهرهایی مانند اعزاز و جرابلس بتواند اتصال سرزمینی میان این سه کانتون را برقرار و عملاً خود را به مجاورت آب‌های آزاد مدیترانه برساند. این امر برای ترکیه عبور از خط قرمز بود که به صراحت اعلام کرده‌اند به هر شکل و حتی به قیمت مداخله نظامی از تحقق آن جلوگیری خواهند کرد. زیرا در این صورت نه تنها مرز ۹۰۰ کیلومتری ترکیه با سوریه در اختیار این جریان کردی مرتبط با PKK قرار می‌گیرد، بلکه عملاً اتصال و ارتباط سرزمینی این کشور با بقیه بخش‌های سوریه قطع شده و طبعاً امکان مداخله و تأثیرگذاری بر تحولات سوریه و ارسال کمک‌ها و حمایت از سایر گروه‌های مورد حمایت ترکیه مانند احرار الشام و جیش الاسلام بسیار دشوار خواهد شد. البته، آمریکا و سایر متحدان غربی مداخله‌گر در سوریه این ملاحظات امنیتی ترکیه در قبال مسئله کرد را در نظر داشته‌اند و سطح همکاری آن‌ها با گروه‌های کردی عمدتاً تاکتیکی بوده است، چراکه کردها تنها نیروی مسلح توانمند غیرمذهبی و غیرسلفی در داخل خاک سوریه هستند. هرچند در ترتیبات حل بحران سوریه که توسط دولت‌هایی مانند عربستان، قطر و ترکیه طراحی و در حال اجراست، مانند کنفرانس معارضه سوری در ریاض و نیز کنفرانس ژنو در بهمن‌ماه ۱۳۹۴ گروه‌های کردی امکان حضور نداشته‌اند، با این حال گروه صالح مسلم و یگان‌های مدافع خلق به لحاظ میدانی همچنان قدرت بیشتری یافته و در حال تبدیل شدن به بازیگری حذف‌ناپذیر در شکل‌دهی به

مجاورت با کردستان
عراق و ترکیه و امکان
اتصال با جریان‌های
کردی دو کشور هم‌جوار
باعث شد در سال‌های
اخیر مشخصاً در سال
۱۳۹۴، کردهای سوریه
قابلیت نقش‌آفرینی
مضاعف در بحران
خونین و فرسایشی سوریه
ایفا کنند.

آینده سوریه هستند. کردها اگرچه محدوده سرزمینی چندان وسیعی در اختیار ندارند، اما مجاورت کانتون‌های کردی با مرز ترکیه و نقاط استراتژیک شمال و شمال غرب سوریه موقعیت آن‌ها را تقویت کرده است. نگرانی ترکیه از قطع راه‌های کمک‌رسانی به سایر گروه‌های معارض توسط کردها موجب شد که در اسفندماه ۱۳۹۳، گلوله‌باران مناطق جدید تحت کنترل کردها در اطراف حلب و فرودگاه «منغ» شدت بیشتری یابد. ترکیه حتی با متهم نمودن یگان‌های مدافع خلق به بمب‌گذاری در آنکارا در بهمن ماه، تهدید کرد به طور مجزا یا با مشارکت عربستان سعودی - که هوایماهای جنگنده خود را در پایگاه اینجریلیک مستقر کرده - وارد عملیات زمینی در خاک سوریه خواهد شد. طرح این ادعاها واکنش تند روسیه و تشدید جنگ لفظی میان مسکو و آنکارا را به همراه داشته است. در این شرایط پیچیده، کردهای سوریه از حمایت هم‌زمان روسیه و آمریکا برخوردار شده‌اند.

در مجموع، به نظر می‌رسد نقش‌آفرینی کردها در سوریه بیشتر تحت تأثیر فرایندهای کلی مدیریت بحران در این کشور و سیاست‌های قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای فعال برای حل و فصل مسائل موجود و شکل‌دهی به ساختار قدرت جدید در دمشق بوده و خواهد بود. طبعاً اختلاف نظر و رقابت سایر قدرت‌ها، همانند گذشته و همچون تجربه مناطق کردنشین سایر کشورها برای کردهای سوری نیز فضای مانور و تأثیرگذاری بیشتری فراهم آورد. با عنایت به موارد یادشده مسائل کردی سوریه بر منافع و امنیت ملی کشورمان تأثیرگذاری مستقیم چندانی نداشته و به اعتبار تأثیرگذاری تاکتیکی بر آینده و معادلات قدرت در سوریه و نوع رابطه آن‌ها با سایر بازیگران منطقه‌ای از آمریکا گرفته تا ترکیه و حکومت اقلیم کردی اهمیت می‌یابد.

تحولات کردی در عراق

با وجود عمق بیشتر، نهادینگی، حرفه‌ای بودن و پرمخاطب بودن جنبش کردی در ترکیه، در حال حاضر کانون تحولات این جنبش در کردستان عراق است. مناطق کردنشین عراق در سال ۱۳۹۴، دوران پرفراز و فرودی را در ابعاد مختلف از سر گذراند. در بُعد داخلی، غلبه وضعیت امنیتی بر محدوده اقلیم تحت تأثیر مجاورت و چالش با داعش در مرزی ۱۰۰۰ کیلومتری و درگیری در برخی مناطق پررنگ باقی ماند. آنچه بر مشکل فوق می‌افزود حضور حدود یک میلیون آواره عراق و حدود ۲۰۰ هزار پناه‌جوی سوری بود. این در حالی است که در این سال حکومت اقلیم به دلیل کاهش صادرات نفت عراق و افت قیمت نفت و غیرقانونی اعلام‌شدن فروش نفت اقلیم به خارج از سوی وزارت نفت عراق دچار مشکلات مالی حاد گردید؛ به نحوی که علاوه بر تعطیلی اغلب پروژه‌های عمرانی و قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های ترکیه‌ای، حتی پرداخت حقوق کارکنان حکومت اقلیم نیز به مانع برخورد و منابع محدود مالی در اختیار نیز به بخش اولویت‌دار امنیتی و مقابله با داعش اختصاص می‌یافت. آنچه مشکلات فوق را دامن می‌زد

گسست شیعی - سنی
برای کردها همانند
گذشته این امکان را
فراهم آورده که در
مقام نیروی سوم و
موازنه‌ساز، مراودات
خود را با هر دو طرف
حفظ کرده و از هر دو
سو امتیاز بگیرند.



بروز تنش جدی میان احزاب و نخبگان کرد بر سر نحوه اداره حکومت اقلیم و رهبری آن بود. دوره دوم ریاست مسعود بارزانی بر حکومت اقلیم که در سال پیش بنا بر رویه‌ای خارج از قانون به مدت دو سال تمدید شده بود در مردادماه امسال پایان گرفت. در حالی که اختلاف احزاب عمده شامل حزب دموکرات، اتحادیه میهنی، جنبش تغییر (گوران) جماعت اسلامی و اتحاد اسلامی بر سر نحوه انتخاب رئیس اقلیم به طور مستقیم توسط مردم (که مورد نظر بود) و گزینش توسط پارلمان (که سایر احزاب بر آن تأکید داشتند) به قوت خود باقی ماند، مسعود بارزانی با استفاده از پراکندگی احزاب و توجیه اولویت مقابله با داعش عملاً ریاست خود را استمرار داد تا حل چالش مزبور به سال آینده موکول گردد.

در عین حال، در هم تنیدگی مسائل حکومت اقلیم با چالش‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی عراق به پیچیدگی اوضاع افزوده است؛ چالش‌هایی که تجزیه عملی این کشور توسط تروریست‌های تکفیری و سلطه آن‌ها بر ۴۰٪ خاک آن در صدر آن قرار دارد و چشم‌اندازی برای غلبه بر آن حتی در میان مدت متصور نیست و برای حل آن هم نگاه‌ها بیشتر به خارج دوخته است. در عرصه مبارزه با داعش، جبهه‌های جنوبی تحرک بیشتری داشت و صرف‌نظر از برخی زد و خوردها، تنها اقدام مهم انجام‌شده توسط کردها تصرف شهر شنگال (سنجار) در آبان‌ماه بود که با هیاهوی تبلیغاتی زیاد صورت گرفت تا یک پیروزی تاریخی به نام مسعود بارزانی ثبت شود؛ در حالی که این شهر قبلاً از سوی نیروهای داعش تخلیه شده بود و این واقعه پیروزی نظامی بزرگی برای نیروهای نه‌چندان کارآمد پیشمرگه محسوب نمی‌شود.

در خصوص مناسبات با دولت مرکزی، در مقایسه با دوران صدارت نوری مالکی، طی سال ۱۳۹۴ قدری از تنش‌ها میان بغداد- اربیل کاسته شد و بازدیدها و دیدارهای متعددی میان مقامات آن‌ها از جمله میان بارزانی و حیدر العبادی صورت گرفت، اما مسائل مهمی مانند فروش نفت، اقدامات و رفتارهای ناهماهنگ اربیل با بغداد در حوزه سیاست خارجی، نحوه مبارزه با داعش و اخیراً حفر خندق در بخش‌هایی از استان اربیل و نیز فرایند حل و فصل ماده ۱۴۰ همچنان حل‌ناشده باقی ماندند که اعتراض صریح مقامات وزارت نفت در بغداد به مسئله فروش نفت توسط حکومت اقلیم و اعتراض به مراودات اربیل با آنکارا از آن جمله هستند.

نکته مهم در رابطه اربیل با بغداد، تلاش برای حفظ تعاملات و استفاده از فرصت‌های موجود در بافت دولت مرکزی در کنار فرصت‌های ناشی از نظام فدرالی است. گسست شیعی- سنی برای کردها همانند گذشته این امکان را فراهم آورده که در مقام نیروی سوم و موازنه‌ساز، مراودات خود را با هر دو طرف حفظ کرده و از هر دو سو امتیاز بگیرند، هرچند که به طور تاریخی بی‌اعتمادی کردها به اهل سنت بیشتر بوده و همین امر باعث شده که کردها، همچنان مناسبات خود با شیعیان را محفوظ بدارند.

در سطح منطقه‌ای موارد زیر قابل تأمل به نظر می‌رسند: حکومت اقلیم با هدایت و حمایت از

برخی گروه‌های کردی، میزبانی آوارگان سوری و عراق، فعال‌سازی روابط خارجی با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه آمریکا، اروپا و ترکیه کوشید تا با نقش‌آفرینی در بحران سوریه و مبارزه با داعش جایگاه خود را در سطح یک دولت مستقل ارتقا بخشد، اما با وجود جلب حمایت و دریافت پاره‌ای کمک‌های نظامی، مطرح کردن بیشتر جایگاه اقلیم و مسئله کرد، حکومت اقلیم همچنان بازیگر غیرتصمیم‌گیر و صرفاً مرتبط با صحنه‌های عملیاتی باقی ماند. بارزانی حتی در تعامل با کردهای سوری و اجماع‌سازی میان آنها نیز دستاورد چندانی نداشت.

با این حال، دستگاه تنظیم خارجی حکومت اقلیم در سال ۱۳۹۴ سال فعالی را پشت سر گذراند که از جمله سفرهای بارزانی به آمریکا و اروپا و بازدید متقابل و پرشمار هیئت‌های خارجی از اربیل قابل ذکر هستند. نکته مهم توفیق حکومت اقلیم در بهبود مناسبات با کشورهای عربی بود. در آذر ۱۳۹۴ و در بحبوحه تشدید رقابت دولت‌های عرب مانند عربستان و امارات با ایران و دولت شیعی عراق، مسعود بارزانی برای نخستین بار به این دو کشور سفر کرد تا عملاً موجودیت سیاسی کرد در جهان عرب را به مقامات ریاض بقبولاند. متعاقباً کنسولگری عربستان در اربیل نیز افتتاح گردید.

همچنین، در کنار گسترش روابط حکومت اقلیم با اغلب قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای، در این سال روابط با ترکیه همچنان در سطح ویژه‌ای دنبال شد؛ هرچند مناسبات اقتصادی آن‌ها به دلیل بحران عراق افت زیادی یافت. در میان سفرهای متعدد مقامات اربیل و آنکارا دیدارهای نیچروان بارزانی نخست‌وزیر و مسعود بارزانی از ترکیه در آذرماه از اهمیت ویژه‌ای، حتی مهم‌تر از سفر وزیر خارجه موقت ترکیه به اربیل در مردادماه داشت. این سفرها در بحبوحه تشدید مناقشه آنکارا و بغداد در خصوص اعزام یک گردان زرهی ارتش ترکیه به اردوگاه نظامی بعشیکه در ۳۵ کیلومتری شمال موصل و شکایت عراق به سازمان ملل و درخواست خروج سریع این نیروها انجام شد. در جریان سفر مسعود بارزانی وی در صدد میانجی‌گری برآمد. دیگر نکته مهم این بود که در جریان این سفر و میزبانی از بارزانی برای نخستین بار پرچم کردستان عراق در کاخ چانکایا به اهتزاز درآمد.

البته، مقامات حکومت اقلیم از حفظ روابط با ایران نیز غافل نبودند. در مهرماه امسال نیچروان بارزانی طی سفر به تهران با مقامات بلندپایه کشورمان ملاقات نمود. وی همچنین در نشست جانبی کنفرانس امنیتی مونیخ در تهران حضور یافت. در این سال از مشکلات ایجادشده توسط برخی گروه‌های معارض کردی به‌ویژه گروه پژاک در مرز دو کشور - که اعتراضات متقابل مسئولان در تهران و اربیل را به همراه داشت - خبری نبود. اما در بخش اقتصادی، به دلیل مشکلات مالی حاد حکومت اقلیم، حجم مبادلات اقتصادی و فعالیت تجار ایرانی در شمال عراق کاهش چشمگیری داشت. نکته



چشم‌گیر، رونق بخش توریسم و نیز افزایش شمار گردشگران و بیماران کرد عراقی برای تفریح و درمان به کشورمان بود. همچنین، جمهوری اسلامی ایران همانند گذشته نقش فعالی در حفظ پیوندها میان حکومت اقلیم و شیعیان عراق ایفا کرد.

تحولات کردی در ترکیه

تحولات پرشتاب کردی ترکیه که با تنش میان دولت و کردها شروع شده بود در آخر سال ۱۳۹۴ با تثبیت قدرت کردها در ساختار سیاسی و تشدید درگیری‌ها خاتمه یافت. مهم‌ترین رویداد برگزاری انتخابات پارلمانی در خردادماه بود که طی آن حزب دموکراتیک خلق‌ها برای نخستین بار با عبور از مانع لزوم کسب حد نصاب ۱۰ درصدی و با کسب حدود ۱۳٪ آرا توانست ۸۰ کرسی در پارلمان ۵۵۰ نفری ترکیه را از آن خود کند. این حزب در ۱۲ استان کردنشین جنوب شرق حائز اکثریت آرا گردید و در ۱۲ استان دارای جمعیت ترکیبی در آناتولی نیز آراء قابل توجهی کسب کرد. قدرت سازمان‌دهی، توان رسانه‌ای و رویکرد انتقادی نسبت به سیاست‌های دولت به رهبری حزب امکان داد تا از نارضایتی عمومی از حزب حاکم به نفع خویش بهره‌برداری کند.

البته HDP در فرایند مذاکرات و چانه‌زنی‌های حزبی برای تشکیل دولت ائتلافی نقشی نداشت و به دلیل تفاوت‌های اساسی در رویکردها و اهداف با احزاب AKP، CHP، MHP قادر به مشارکت در هیچ‌یک از حالت‌های ایجاد دولت ائتلافی نبود و به دلیل اختلافات عمیق میان احزاب دیگر عملاً دولتی شکل نگرفت. مشکلات بزرگتر زمانی پدید آمد که حزب حاکم با استفاده از ابزارهای حاکمیتی درصد امنیت‌کردن فضای جامعه در فاصله شش‌ماهه تا مقطع برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی در آبان‌ماه برآمد و به بهانه مبارزه با تروریسم، علاوه بر حملات سنگین به مواضع حزب کارگران کرد، شمار زیادی از فعالین مدنی و رسانه‌ای و دفاتر استانی HDP در شهرهای مختلف را مورد حمله قرار داد و عملاً کمپین تبلیغاتی این حزب را محدود کرد. انفعال و سردرگمی مواضع رهبری این حزب نسبت به اعلام شکستن آتش‌بس توسط PKK و افزایش درگیری‌ها با دولت نیز عامل دیگری بود که باعث شد در انتخابات ماه نوامبر بخشی از آراء سرگردان عامه مردم کرد که امنیت و رفاه را بر مطالبات سیاسی ترجیح می‌دادند، بار دیگر به سبب حزب عدالت و توسعه ریخته شود و تعداد کرسی‌های HDP به ۵۹ کرسی تقلیل یافت. هرچند عبور مجدد از حد نصاب ۱۰٪ و ورود به پارلمان به عنوان سومین حزب دستاورد بزرگی برای کردهاست و به آن‌ها قدرت سیاسی و تبلیغاتی زیادی به عنوان حزب اپوزیسیون می‌بخشد.

نخبگان و رهبران حزب دموکراتیک خلق‌ها پس از تثبیت جایگاه در انتخابات و برای خروج از بن‌بست ایجادشده ناشی از گسترش درگیری‌ها میان دولت و PKK به اقدامات نمادین و ابتکاری

در آذر ۱۳۹۴ و در
بحبوحه تشدید رقابت
دولت‌های عرب مانند
عربستان و امارات با
ایران و دولت شیعی
عراق، مسعود بارزانی
برای نخستین بار به این
دو کشور سفر کرد تا
عملاً موجودیت سیاسی
کرد در جهان عرب را به
مقامات ریاض بقبولاند.
متعاقباً کنسولگری
عربستان در ادیبیل نیز
افتتاح گردید.

روی آوردند که از جمله می‌توان به نطق‌های تند دمیرتاش در پالمان و طرح درخواست خودمختاری مناطق کردنشین و قسم یادکردن به نام ملت ترکیه به جای ملت ترک در مجلس اشاره کرد. در اواخر آذرماه سلما ایرماک رئیس کنگره جامعه دموکراتیک (DTK) و نماینده حزب دموکراتیک خلق‌ها در مجلس و پس از وی صلاح‌الدین دمیرتاش رهبر HDP به دعوت وزارت خارجه روسیه به مسکو رفتند. دمیرتاش ضمن ملاقات با لاوروف و رئیس دوماي روسیه دفتر نمایندگی این حزب در مسکو را افتتاح نمود. واکنش مقامات آنکارا در بالاترین سطوح خیانت‌آمیزخواندن اظهارات دمیرتاش مبنی بر درخواست خودمختاری و تلاش برای پیگیری قضایی و سلب مصونیت وی بود. در ادامه در دی‌ماه و پس از افزایش درگیری‌ها میان هواداران و چریک‌های PKK با ارتش و پلیس در شهرهای کردنشین و کشیده‌شدن دامنه اعتراض‌ها به استانبول، بار دیگر دفاتر این حزب در این شهر و سایر مناطق مورد حمله پلیس قرار گرفت. مجموعه این اقدامات دولت واکنش منفی نهادهای حقوق بشری و اتحادیه اروپا را در پی داشت. در آخرین مورد، نامه سرگشاده ۱۲۰۰ تن از روشنفکران و استادان ۸۰ دانشگاه از سراسر جهان از جمله نوام چامسکی به همراه نخبگان فرهنگی ترکیه موج تازه‌ای از اعتراضات علیه دولت را پدید آورد. پس از واکنش تند اردوغان به این نامه، ۱۲ نفر از استادان دانشگاه‌های ترکیه و امضاکنندگان این نامه نیز بازداشت شدند.

در بُعد نظامی دامنه عملیات گسترده ارتش علیه مواضع و قوای PKK در نواحی مرزی و ارتفاعات قندیل ادامه یافت. دولت با برآوردی خوش‌بینانه مدعی شده حدود ۳۰۰۰ پیش‌مرگ PKK در جریان عملیات ارتش کشته شده‌اند، اما مخالفان کرد ضمن غیرواقعی خواندن این رقم معتقدند شمار زیادی از جان‌باختگان مردم عادی و زنان و کودکان بوده‌اند. افزایش تلفات غیرنظامی از اتخاذ تاکتیک تازه PKK و ورود آن به جنگ چریک شهری ناشی می‌شود که برای نخستین بار طی ۳۰ سال گذشته دامنه نبرد را به شهرها کشاند و ضمن کمین و بمب‌گذاری و انجام حملات ایزدایی به نیروهای نظامی، بخش‌هایی از شهرهای دیاربکر، سوروج، جیزره، ماردین و شیرناک را به دژهای نظامی و خارج از کنترل دولت بدل نمود. در نتیجه این تقابل، در ۱۹ شهر و ناحیه حکومت نظامی اعلام شده و زندگی حدود یک میلیون و چهارصد هزار ساکنان این مناطق مختل گردیده است. اکتفای دولت به عملیات هوایی، پرهیز از اعزام نیروی زمینی به نقاط درگیری (با توجه به احتمال افزایش تلفات ارتش)، تلاش برای به‌کارگیری نیروهای کرد علیه PKK و جلب همکاری حکومت اقلیم کردستان برای بستن عقبه تدارکاتی این گروه از شمال عراق از دیگر نکات قابل تأمل در تنش‌های میان دولت ترکیه و نیروهای PKK هستند. سخنان اردوغان در اواخر دی‌ماه مبنی بر اینکه ترکیه نه با مسئله کردی بلکه با مسئله ترور مواجه است، نوعی عقب‌گرد بوده و احتمال بازگشت به شرایطی مشابه دهه ۱۹۹۰ را به ذهن تداعی می‌کند.

دمیرتاش ضمن ملاقات با لاوروف و رئیس دوماي روسیه دفتر نمایندگی این حزب در مسکو را افتتاح نمود. واکنش مقامات آنکارا در بالاترین سطوح خیانت‌آمیزخواندن اظهارات دمیرتاش مبنی بر درخواست خودمختاری و تلاش برای پیگیری قضایی و سلب مصونیت وی بود.



با توجه به پیامدهای منفی اقدامات اخیر دولت در مناطق کردنشین، پرهزینه و کم‌بازده بودن آن‌ها، احمد داود اوغلو وعده داد در اوایل سال نخست میلادی عملیات گسترده علیه PKK خاتمه یابد. به موازات عملیات نظامی، دولت طرح صلح تازه‌ای را مطرح کرده است. به موجب این طرح، عبدالله اوجلان و دمیرتاش از فرایند صلح کنار گذاشته شده و طیفی از فعالین مدنی و رسانه‌ای و نخبگان غیرحزبی کرد جایگزین می‌شود. آن‌ها امیدوارند این طرح به موازات اجرای طرح‌های توسعه‌ای در جنوب شرق، دست کم از دامنه بحران فرو کاهد، اما تشدید درگیری با PKK در شهرها و مناطق کوهستانی هم‌مرز با عراق در بهمن و اسفندماه، چشم‌انداز امیدبخشی از تخفیف بحران در برابر ناظران و تحلیل‌گران قرار نمی‌دهد. انجام دو عملیات بمب‌گذاری در آنکارا و دیار بکر در ۳۰ بهمن‌ماه از سوی گروه بازهای کردستان (گروه انشعابی از PKK) و عملیات تلافی‌جویانه ارتش ترکیه از شمال عراق گرفته تا شمال سوریه و نیز در داخل خاک خود، نشان از آن دارد که این کشور نه تنها در جنگ داخلی با شهروندان کرد خود قرار گرفته، بلکه در سطح منطقه‌ای نیز با ورود به جنگ علیه کردهای سوریه، احساسات ضد ترکیه‌ای کرد را تقویت کرده است. در حالی که کردهای ترکیه و سوریه متحدان تازه‌ای مانند روسیه پیدا کرده و از پشتیبانی افکار عمومی در منطقه و غرب برخوردارند، ترکیه در خصوص تحولات کردی با انزوای بیشتری روبه‌رو شده و با انتقاد اتحادیه اروپا، و آمریکا نیز روبه‌روست. اختلاف نظر ترکیه با آمریکا در خصوص حمایت واشنگتن از کردهای سوری انتقادات بی‌سابقه اردوغان از کاخ سفید و مذاکرات طولانی و بی‌نتیجه وی با اوباما را در پی داشته است.

دیگر نکته قابل توجه، تداوم ارتباطات و تأثیرگذاری کردهای ترکیه بر کردستان سوریه و نیز نقش‌آفرینی فعال PKK در جنگ با داعش در شمال عراق، به رغم تمایل حکومت اقلیم کردستان بود که این عوامل بر حفظ جایگاه و پایگاه اجتماعی PKK در مناطق کردنشین خاورمیانه مؤثر بوده است.

آمریکا و مسئله کرد

نگرش تاکتیکی آمریکا به مسئله کرد در سال ۱۳۹۴ همچنان استمرار یافت. ایالات متحده به رغم مخالفت ترکیه، به حمایت و پشتیبانی محدود از PYD در سوریه ادامه داد تا از این طریق بتواند نیروی کارآمد بومی و در عین حال غیرسلفی در داخل خاک سوریه تدارک ببیند. در مورد کردهای عراق روابط نهادینه‌شده واشنگتن و اربیل در سطوح بالا ادامه داشت و مقامات کاخ سفید میزبان مسعود بارزانی بودند. پنتاگون بخشی از کمک‌های تخصیص‌یافته برای مبارزه با داعش را مستقیماً به حکومت اقلیم تحویل داد. البته، در منازعات میان اربیل - بغداد، واشنگتن همانند گذشته بر لزوم حفظ یکپارچگی سرزمین عراق تأکید ورزیده است. در مورد کردهای ترکیه

هم رویکرد حمایت از آنکارا در مبارزه با PKK را ادامه داد. به دنبال اظهارات جمیل باییک، رهبر PKK مبنی بر وجود ارتباط میان این گروه با مقامات آمریکایی، در ۱۸ دی ماه سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ضمن تکذیب این اظهارات بر ماهیت تروریستی این گروه و منع کاخ سفید از مذاکره با این قبیل گروه‌ها تأکید کرد. نکته تأمل برانگیز در خصوص رفتار ابزارانگاران آمریکا در قبال مسئله کرد همین است که با وجود تروریست خواندن PKK، با شاخه سوری آن یعنی PYD ارتباط نزدیکی دارد.

در مورد رژیم صهیونیستی نیز این نکته قابل اشاره است که بر خلاف ورود مستقیم و کم سابقه مقامات این رژیم در مسئله کردی در سال گذشته و اعلام حمایت از تشکیل دولت مستقل کردی و مواجهه با پیامدهای منفی این قبیل اظهارات، امسال مورد مشابهی - که نشان دهنده سیاست اعلامی این رژیم در قبال تحولات مناطق کردنشین خاورمیانه باشد - مشاهده نگردید. هرچند پرسش‌های سابق مبنی بر پیوندهای برخی گروه‌های کرد عراقی با تل آویو همچنان به قوت خود باقی است.

بر آورد مقایسه‌ای

در برآورد کلی می‌توان گفت در حال حاضر مسئله کرد در عراق، سوریه و ترکیه صرفاً مسئله‌ای مرتبط با امنیت داخلی این کشورها نیست و ابعاد منطقه‌ای و بعضاً بین‌المللی آن تقویت شده است. بازیگران پرشماری از قدرت‌های جهانی مانند آمریکا گرفته تا قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران، عربستان، ترکیه و رژیم صهیونیستی و حتی بازیگران غیردولتی مانند داعش بر تحولات کردی تأثیرگذاری و امکان مداخله دارند. مداخله دولت‌های رقیب، امکان مانور و فضای تنفسی مساعدی برای گروه‌های سیاسی کرد در هر سه کشور فراهم آورده تا کمیت و کیفیت نقش‌آفرینی خود را به نسبت گذشته ارتقاء بخشند. البته این امر لزوماً به معنای بهبود موقعیت و جایگاه جنبش کردی نیست. این امر تا حدی از نداشتن متحد راهبردی در میان قدرت‌های بزرگ، استفاده تاکتیکی همه دولت‌ها از کردها به مثابه ابزار موازنه‌سازی با رقبا و ضعف انسجام و رقابت‌های درونی بخش‌های سوری، ترکیه‌ای و عراقی این جنبش ناشی می‌شود. تلاش کردهای عراقی برای حفظ مناسبات با آمریکا، ایجاد روابط راهبردی با ترکیه و یا رژیم صهیونیستی را می‌توان اقدامی جهت پرکردن این خلأ دانست.

همانند سال‌های گذشته، حکومت اقلیم کردستان به جهت برخورداری از منابع سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه قدرت از ثبات و قابلیت تأثیرگذاری ایجابی برخوردار بوده است. این حکومت محلی توانست به رغم مشکلات اقتصادی، بی‌ثباتی داخلی، تهدید داعش و تا حدودی چالش با دولت مرکزی،



متصرفات خود را نگه داشته و به علاوه شهر شنگال را نیز به تصرف درآورد. این بدان معناست که مناطق مورد ادعای کردها تقریباً به طور کامل در اختیار آنها بوده و همین امر بر انگیزه آنها در مبارزه با داعش تأثیر کاهنده خواهد داشت، زیرا کردها تمایل و توان چندانی برای مقابله با داعش و اهل سنت عراق و جنگیدن به نفع دولت مرکزی در بغداد ندارند.

در سوریه نیز موضع کنونی کردها به جهت تسلط بر کانتون‌های سه‌گانه مستحکم به نظر می‌رسد. البته، تداوم نقش‌آفرینی گروه‌های کرد در سوریه بیشتر تحت تأثیر توافقات و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای با محوریت ترکیه و قدرت‌های جهانی با محوریت آمریکا و روسیه در مورد آینده سوریه است. در عین حال باید گفت وضعیت کردهای سوریه هیچ‌گاه به شرایط گذشته بازمی‌گردد و برای طراحی و شکل‌دهی به ساختار سیاسی سوریه جدید نمی‌توان کف مطالبات این گروه قومی خودآگاه، رو به رشد و در حال یافتن حامیان منطقه‌ای جدید را نادیده گرفت. در ترکیه پیچیدگی تحولات کردی از آن رو بیشتر است که مسئله کرد به طور توأمان هم مسئله مرتبط با سیاست داخلی و هم سیاست خارجی این کشور است. به عنوان نمونه، بدون شک سیاست‌های مداخله‌ای ترکیه در سوریه نقش مؤثری در تشدید تنش با PKK در داخل داشت. به همین ترتیب می‌توان به تلاش آنکارا در استفاده از حکومت اقلیم کردستان برای مهار PKK اشاره کرد. آقای اردوغان همواره تمایل داشته تا حل معضل صدساله کردی را به نام دولت خود به ثبت برساند و از این طریق فرایندهای عضویت در اتحادیه اروپا را نیز به سرعت پیش ببرد، اما سیاست‌های اقتدارگرایانه در داخل و نوع مداخله ماجراجویانه در بحران سوریه باعث شده که تلاش کمابیش موفق در تنش‌زدایی با کردها طی سال‌های قبل نیز به بن‌بست رسیده و دستاوردهای پیشین نیز مخدوش گردد. این در حالی است که جنبش کردی ترکیه با تقسیم کار هوشمندانه فعالیت سیاسی و نظامی میان HDP و PKK و با بهره‌گیری از فضای کمابیش باز سیاسی و اجتماعی درونی ترکیه و نیز استفاده از رقابت قدرت‌های منطقه‌ای به حرکت رو به رشد خود ادامه داده و با توجه به حضور مؤثر در پارلمان، نقش‌آفرینی مؤثرتری در عرصه‌های سیاسی و رسانه‌ای خواهد داشت. در عین حال، هر دو طرف در موضوعات پایان‌دادن به عملیات نظامی و تأکید بر تغییر قانون اساسی با یکدیگر دستور کار مشترکی دارند که می‌بایست در مورد آنها به توافق برسند.

مجموعه شرایط فوق باعث شده که مناطق کردنشین کشورمان از ثبات و امنیت بیشتری برخوردار باشند، زیرا گروه پژاک و PKK اولویت خود را به بحران سوریه و ترکیه داده‌اند و حتی عناصر ایرانی عضو این گروه نیز در سوریه به کار گرفته شده‌اند. کردستان عراق نیز در هماهنگی بیشتری با سیاست‌های کشورمان قرار دارد. البته، فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای جریان قوم‌گرایی کرد در مخالفت با کشورمان ادامه دارد که از جمله می‌توان موضع‌گیری‌های

در حالی که کردهای ترکیه و سوریه متحدان تازه‌ای مانند روسیه پیدا کرده و از پشتیبانی افکار عمومی در منطقه و غرب برخوردارند، ترکیه در خصوص تحولات کردی با انزوا بیشتری روبرو شده و با انتقاد اتحادیه اروپا، و آمریکا نیز روبه‌روست.

منفی نخبگان، احزاب و رسانه‌های کرد ترکیه مانند دمیرتاش و فعالین جنبش گوران در عراق و طرح ادعای تبعیض قومی و نقض حقوق کردها و اعتراض به اعدام‌ها در مناطق کردنشین کشورمان اشاره کرد.

چشم‌انداز ۱۳۹۵

به احتمال زیاد، مسئله کرد در سال آینده همچنان ضمن تأثیرگذاری بر امنیت داخلی هر چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق از ابعاد منطقه‌ای بیشتری برخوردار خواهد شد و دامنه مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در آن با تأکید بر حل مسأله سوریه و مقابله با افراطی‌گری تکفیری افزایش خواهد یافت. بنابراین، مناطق کردنشین همچون گذشته آوردگاه رقابت دولت‌های رقیب برای موازنه‌گرایی با یکدیگر باقی می‌ماند. این امر مانع از قدرت‌یابی کامل کردها و تبدیل آنها به یک بحران امنیتی تازه در منطقه خواهد شد. این قاعده، حکومت اقلیم کردستان را هم، با وجود منابع قدرت بیشتر و هماهنگی آن با شمار بیشتری از دولت‌های مرتبط با مسأله کردی شامل می‌شود. با فرض ادامه وضعیت فعلی در بهترین حالت، کردستان در عمل به یک کنفدراسیون در داخل ساختار سیاسی عراق تبدیل خواهد شد. با توجه به تلاش حکومت اقلیم برای برگزاری رفراندوم نمادین استقلال طلبی و اعلام آن از سوی مسعود بارزانی در ۱۶ بهمن ۱۳۹۴، پیش‌بینی می‌شود انجام این‌گونه اقدامات تبلیغاتی توسط کردهای عراقی استمرار بیشتری خواهد یافت.

همچنین پیش‌بینی می‌شود شکاف‌های ناحیه‌ای، زمانی، مذهبی و ایدئولوژیک میان مناطق کردنشین چهار کشور به صورت فعال باقی بماند و امکان همگرایی گروه‌های سیاسی - شبه‌نظامی کرد را به حداقل برساند. همانند سال‌های اخیر، انجام اقدامات نمادین همگرایانه توسط کردهای ترکیه‌ای و یا عراقی مانند تشکیل کنگره ملی کرد، متشکل از فعالین سیاسی و مذهبی مناطق کردنشین هر چهار کشور نیز صورت نگرفته و حتی در صورت تحقق، این اقدامات اختلافات درون جامعه را بیشتر خواهد کرد. در ترکیه، کاهش تنش میان HDP و PKK با دولت مرکزی و در پیش گرفتن رویه‌های سیاسی قابل پیش‌بینی است که البته نمی‌توان از آن انتظار حل سریع اختلافات دامنه‌دار موجود را داشت.

در چنین شرایطی، تمرکز نخبگان کرد در اروپا، ترکیه، ایران و عراق بر حوزه‌های فرهنگی و به‌ویژه رسانه‌ای استوار خواهد گردید. فعالیت در شبکه‌های مجازی، ماهواره، برپایی همایش‌ها و فعالیت‌ها در حوزه فرهنگ مکتوب تداوم خواهد یافت تا از این طریق علاوه بر تقویت ارتباطات و هویت‌سازی و نمادسازی میان کردهای پراکنده در کشورهای مختلف، ابزار اعمال فشار و چانه‌زنی با سایر بازیگران ذی‌نفع در اختیار نخبگان و گروه‌های کردی باقی بماند. به لحاظ امنیت

دمیرتاش ضمن ملاقات
 با لاوروف و رئیس
 دومای روسیه دفتر
 نمایندگی این حزب
 در مسکو را افتتاح نمود.
 واکنش مقامات آنکارا
 در بالاترین سطوح
 خیانت آمیز خواندن
 اظهارات دمیرتاش
 مبنی بر درخواست
 خودمختاری و تلاش
 برای پیگیری قضایی و
 سلب مصونیت وی بود.



داخلی به جز برخی اقدامات ایدایی در مرزها تهدید خاصی از ناحیه تحرکات گروه‌های قوم‌گرایی کردی علیه جمهوری اسلامی ایران متصور نیست، ولی در حوزه فرهنگی و رسانه‌ای می‌بایست آسیب‌پذیری‌های مناطق کردنشین کشورمان را جدی گرفت. در صورت تداوم و خلأ سیاسی ناشی از نبود گروه‌ها و احزاب خودی و بومی در مناطق کردنشین گرایش به بیرون در شمال غرب کشور افزایش می‌یابد و در این صورت احتمال تأثیرگذاری این جریان‌ها بیشتر خواهد شد. شکست پروژه صلح کردی در ترکیه می‌تواند زمینه‌ساز وضعیتی باشد که طی آن جمهوری اسلامی ایران نقش رهبری و ارائه الگوی حل مسئله کرد در منطقه را بر عهده گیرد.